

مکتی کوتاه بر نېشته محترم جلیل غنی پیرامون منافع ملی

اخیراً در سایت وزین افغان جرمن آنلاین نظرم را عنوان زیبای (منافع ملی یا مصالح علیای کشور؟) بخود جلب نمود که به قلم محترم جلیل غنی نوشته شده بود. چنین یک موضوع همواره مورد علاقه ام بوده و بدبختانه در باره آن در رسانه ها به ندرت نېشته های اختصاصی به نشر میرسد، ازینرو آنرا فوراً کلیک نموده و با دقت خواندم. واقعیت این است که بنده اولین بار بود مقاله ایرا از قلم ایشان خواندم که خوشبختانه موضوع آن مورد دلچسپی من هم بود.

باید یادآوری نمایم که هدفم از این مختصر هرگز انتقاد بر نویسنده موصوف نیست، بلکه به اندیشه او به دیده قدر مینگریم و به تلاشهای او پیرامون توضیحات در مورد اصطلاح منافع ملی احترام میگذارم. هدف اصلی ایشان و اینجانب به ارتباط این موضوع اساسی که منافع ملی است، یکی میباشد. صرف میخوام راجع به برخی از دیدگاه های شان که خودم در باره آن نظر دیگری دارم اشاره نمایم:

محترم جلیل غنی مقاله شانرا با پراگراف ذیل آغاز میکند: «در افغانستان تا زمان سقوط سلطنت اصطلاح ,, مصالح علیای کشور، بجای ,, منافع ملی,, بکار برده میشد یعنی جای ,, منفعت,, را ,, مصلحت,, گرفته بود. اینکه استعمال این کلمات یکی بجای دیگری آگاهانه بوده یا تصادفی، هم موضوعی است قابل بحث. زیرا این دو کلمه دو مفهوم جداگانه را افاده میکند. یکی اینکه ,, مصلحت,, در هر اقدامی از جانب دولتمردان برای بقای قدرت و یا هم استحکام دولتهای مطلقه شان و دیگری ,, منفعت ملی,, که دولت در پرتو ارزشهای این منافع، نفع تمام ملت را برآورده ساخته میتواند.» موصوف کمی بعدتر بخاطر تأکید برآن تکراراً مینویسد: «... تا سقوط سلطنت بجای ,, منافع ملی,, اصطلاح ,, مصالح علیای کشور,, بکار گرفته میشد که در هیچ قاموسی تعریفی برای آن نمی توان دید...».

اساساً همین نقاط فوق در نېشته آن محترم مرا واداشت تا به تحریر این سطور مختصر اقدام نمایم. بیائید ببینیم که قاموسها در این باره چه حرفهای دارند. قبل از همه مراجعه میکنیم به قاموسهای وزین گوگل تا ببینیم آنها راجع به اصطلاحات ,, منافع ملی,, و ,, مصالح ملی,, کدام تعریفی دارند یا خیر، و اگر دارند کدام است. در قاموس فارسی - انگلیسی معنی ,, منافع ملی,, را (National interest) ومعنی ,, مصالح ملی,, را نیز کاملاً به عین مفهوم و عین کلمات یعنی (National interests) ذکر نموده است. این درحالی است که کلمات ,, منافع,, و ,, مصالح,, را بدون پسوند ,, ملی,, به عین مفهوم نه بلکه به معانی جداگانه یعنی اولی آنرا به معنی (Interests) و دومی را به معنی مواد (Materials) آورده است مانند مواد ساختمانی و سائر مواد که موارد استعمال در امور روزمره را دارند. به نظر راقم شاید تفاوت معانی همین دو کلمه باشد که محترم جلیل غنی را واداشته است که میگوید [... این دو کلمه (هدف او از منافع ملی و مصالح ملی است) دو مفهوم جداگانه را افاده میکنند...]. بر علاوه قاموس فارسی - انگلیسی که در فوق از محتوی آن یادآوری گردید، در قاموس های فارسی - روسی و فارسی - دنمارکی که بنده همچنان به این لسانها بلدیت دارم مفاهیم منافع ملی و مصالح ملی را کاملاً مانند قاموس فارسی - انگلیسی به عین مفهوم و تا حدی به عین کلمات ترجمه نموده است.

فرهنگ فارسی عمید نیز در زمینه گفتنی های دارد. اصطلاح (مصالح) درین قاموس به معنی جمع مصلحت، آنچه که مایه سود و آسایش و صلاح انسان است، صلح کننده و سازش کننده آمده است. درینجا نیز یکی از معانی آن (مواد) است که در مثال ذیل توضیح میکند: مصالح ساختمانی - آنچه که برای ساختمان لازم و شایسته است: سنگ، چوب، آجر (خشت پخته)، گچ و آهک. طوریکه دیده شد صرف یکی از معانی اصطلاح مصالح، جمع مصلحت است و مصلحت را چنین تعریف نموده است: آنچه که باعث خیر و صلاح و نفع و آسایش انسان باشد. در مجموع تعریف های فوق با آنچه که در قاموسهای زبانهای اروپایی آمده است، مطابقت نزدیک دارد.

در نتیجه میخوام یادآور شوم که: اولاً - من با آن موافق نیستم که قبل از سقوط سلطنت از اصطلاح ,, منافع ملی,, اصلاً کار گرفته نمیشد. ثانیاً - با آن هم موافق نیستم که بکار بردن این اصطلاح صرف بعد از سقوط سلطنت بمیان

آمد. ثالثاً – هم قبل از سقوط سلطنت و هم بعد از سقوط آن، چه در مطبوعات و چه از طرف دولتمردان بکار بردن هر دو اصطلاح یعنی هم «منافع ملی»، و هم «مصلح ملی»، یا «مصلح علیای کشور» مروج بود ولی باید بپذیریم که اصطلاح «مصلح علیای کشور»، زیادتیر ولی صرف به مفهوم منافع ملی بچشم می خورد. خامساً – هیچ ثبوتی را ندیده ام که هدف از اصطلاح «مصلح علیای کشور»، صرف «مصلحت»، و آنهم صرف به معنی (سازش) بوده است. سازش یکی از معانی مصلحت است نه یگانه معنی آن. سادساً – دلایل فوق نشاندهنده آنست که منافع ملی و مصلح ملی دو مفهوم جداگانه را نه بلکه یک مفهوم واحد را افاده میکنند.

درین شکی نیست که هم قبل از سلطنت و هم بعد از آن در بین دولتمردان اشخاصی وجود داشتند که به منافع ملی آنقدر ارج نمیکذاشتند. اما تعیین کردن تاریخ ۲۶ سرطان سال ۱۳۵۲ را به حیث سرحد بین منفعت و سازش دور از انصاف خواهد بود. البته در هر دوران از تاریخ، حکومتها در رابطه با منافع ملی برخورد متفاوتی داشتند مثلاً در وقت حاکمیت تنظیمی، سران و قوماندانان تنظیم ها آنقدر در اندوختن سرمایه و منافع شخصی غرق بودند که منافع ملی را اصلاً در وقت جمع آوری غنیمتها در نظر نداشتند.

مساعی محترم جلیل غنی پیرامون مطرح ساختن بحث در مورد منافع ملی کشور ما، بالخصوص درین برهه نازک از تاریخ قابل قدر است. بنظر من هرکس حق دارد موضوعات را مطابق دیدگاه خود ارایه نماید بشرطیکه هدف از آن خیر و صلاح مردم رنجکشیده میهن باشد و یقین کامل دارم که اهداف اصلی هموطن عزیز من محترم جلیل غنی از مطرح کردن این بحث صرف همین چیز است و بس. ازینرو نبشته او را به دیده قدر می بینم و خودشان مورد احترام من است.

و اما منافع ملی؟

منافع ملی باید در هر وقت بصورت دقیق شناسایی و در باره آن تبلیغات و نشرات وسیع بعمل آید. در منابع حقوق بین الدول و سائر اسناد معتبر میتوان برای آن تعریف هایی را دریافت که در سطح ملی و بین المللی قابل قبول باشد. استقلال سیاسی، تمامیت ارضی، تأمین شرایط لازم زندگی فیزیکی، جلوگیری از مداخلات خارجی در امور داخلی و حفظ سرحدات کشور از جمله بخشهای اساسی منافع ملی بشمار میرود. توسعه و گسترش منابع پوتنشالی و بر بنیاد آن پیشرفت اقتصادی، بلند بردن قابلیت جنگی، از دیاد منابع مالی، پیشرفت علم و تکنیک، توسعه و بلند بردن تأثیرات جیوپولیتیکی کشور، رفاه و آسایش اتباع، پیشرفت فرهنگ و سایر امور رشد معنوی نیز در جمله منافع ملی جایگاه مهمی دارند. خلاصه اینکه تمام امور عمده و اساسی کشور که عموم اتباع از آن منفعت مادی یا معنوی میبرند، داخل منافع ملی کشور شده میتوانند. در حقوق بین الدول منافع ملی جاده یکطرفه نبوده بلکه در معاهدات بین المللی میتوان همزمان منافع ملی چندین کشور را در نظر گرفت.

در حال حاضر زندگی مردم افغانستان که از جمله حقوق اساسی اتباع بشمار می آید هر روز از طرف ۴۳ کشور پیشرفته جهان به شکلی از اشکال زیر پا میگردد. تخریب قراء، کشتار مردم ملکی و بیگناه با بمباران های کور و بی اعتنایی به خواستهای مردم و اولیای امور، این همه نقض منافع ملی افغانستان است که از جانب ائتلاف برهبری امریکا هرروز با وسعت بیشتر تکرار و ادامه می یابد. اگر این ائتلاف مدعی آن است که به اجازه شورای امنیت ملل متحد آمده است و بر اساس آن خود را اشغالگر و تجاوزگر نمیداند، پس باید مطابق منشور ملل متحد به حاکمیت ملی افغانستان و حقوق اتباع این کشور نیز احترام بگذارد و این را در نظر داشته باشد که حقوق اتباع و منافع ملی صرف در شرایط صلح و امنیت سرتاسری تأمین شده میتواند. در غیر آن باید بداند که این اعمال شان اشغالگرانه است و مردم افغانستان در برخورد با اشغالگران تجارب کافی وحدت و یکپارچگی دارند.

پایان